بسم الله الرحمن الرحیم

موضوع: حقیقت شهید و شهادت

سخنران :استاد بنیان‌جوادی

شنبه؛ ۹۸/۱۰/۲۶

مکان: موسسه لیله القدر تهران

آن‌چه که باعث شد به موضوع شهید و شهادت بپردازیم، یکی این است که نقل می‌کنند حضرت استاد قبل از به جبهه رفتن فرزندشان خطاب به وی فرموده بودند: «بابا! اول شهید شو بعد به جبهه برو»[1]معمولاً افراد می‌رفتند جبهه تا شهید شوند ولی ایشان سازوکار شهادت را عکس آن چیزی که مرسوم بوده بیان می‌کنند.

در رابطه با حضرت آقا در زمان حیات سردار سلیمانی، به ایشان فرموده بودند: «شما شهید هستید.» همچنین گفته بودند: «اینکه کسی جانش را در دست بگیرد و آماده باشد شهید است. حال یا به فیض شهادت می‌رسد و یا نمی‌رسد.» خود سردار نیز در کلیپی که از ایشان منتشر شد می‌گویند: «باید شهید بود تا شهید شد.»

بر آنیم تا در مفهوم شهید و شهادت، با توجه به نکات منقول از بزرگواران و رجوع به آیات و روایات تأمل کنیم. اینکه کسی قبل از حضور در معرکه شهید شود، به چه معناست؟ آنچه در ذهن ماست، برای ما متعارف است و در لسان اهل‌بیت علیهم السلام هم آمده است، این است که شهادت کشته شدن در راه خدا، در معرکهٔ جنگ و جهاد است؛ احکام خاصی هم در رابطه با این معنای شهید و شهادت وجود دارد؛ اما حقیقت شهید و شهادت چیست؟ در آیات و روایات معنا و حقیقت شهید یک معنای وسیع و گسترده است؛ یعنی، در حقیقت آن‌چه در معرکه رخ می‌دهد و کسی جانش را در راه خدا از دست می‌دهد، ثمره و محصول شهادتی دیگر است که می‌خواهیم عرض کنیم؛ وگرنه صرف ریخته شدن خون در جنگ، شخص را شهید نمی‌کند. در تاریخ اسلام داریم، کسی را که به معرکه رفت و خونش هم ریخته شد؛ اما حضرت فرمودند: «این مرد اهل جهنم است.» [2]بعدها معلوم شد که این شخص برای غنیمت گرفتن مرکب رفته بود.

شهادت ارتباط مستقیمی با نیت، بینش و بصیرت شخصی که وارد معرکه شده دارد. در روایات اهل‌بیت علیهم السلام هم می‌بینیم از شهادت معنای دیگری را مدنظر داشته‌اند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «... و الله ما الشهداء إلا شیعتنا و لو ماتوا علی فراشهم»؛[3] یعنی شهید نیستند مگر شیعیان ما. تک‌تک ما اگر ادعای شیعه بودن داریم باید شهید باشیم. در روایت آمده که شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «از خدای بخواه که شهادت را برای من روزی کند.

---

۱ یادنامه زنده یاد علی صفایی حایری، ص: ۱۸

۲ جامع السعادات ملامهدی نراقی جلد۳ ص ۱۱۳

۳ تهذیب الأحکام - الشیخ الطوسی - ج ٦ - الصفحة ١٢٦

امام ـ علیه السلام ـ فرمود: «مؤمن شهید است» سپس آیه ۱۹، سوره حدید را تلاوت کرد[۴]؛ یا نبی مکرم اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه می فرماید: مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِیداً[۵]؛ این نشان می‌دهد که شهادت مفهوم دیگری دارد؛ و به صرف این که یکی در میدان مقاتله خونش ریخته شود، شخص را شهید نمی‌کند؛ میزان بهره و سهم شهدا از شهادت ارتباط مستقیمی با شهادتی دارد که باید پیش از حضور در معرکه به آن رسیده باشند.

از امام باقرؑ نقل شده است که می‌فرمایند: «آن کسی که از شما به مسئلهٔ ولایت ما آشنا باشد و در انتظار ظهور حضرت مهدیؑ بوده باشد، مانند کسی است که با مهدیؑ از آل پیامبرص با سلاحش جهاد کرده.» و بلکه می‌فرمایند: «به خدا سوگند مانند کسی است که همراه رسول خداص با سلاح جهاد کرده و بالاتر از آن به مانند کسی است که با رسول خدا در خیمهٔ او شهید شده باشد»؛ یعنی، در مفهوم شهید و شهادت، بحث ولایت و انتظار ظهور حضرت مهدیؑ را می‌آورند و حتی سهم و بهرهٔ شهادت این منتظر را سهم و بهرهٔ شهادت کسی می‌دانند که همراه رسول خداص جهاد کرده و بلکه در خیمهٔ ایشان به شهادت رسیده است.

از این روایات به دست می‌آید که شهادت، یک مفهوم عمیق‌تر از آنچه که در ذهن در نظر گرفته‌ایم دارد. چه چیزی است که اول باید شهید شد و آخر هم باید شهید شد؟ یعنی شهادت پایانی، محصول شهادتی است که ما در حیاتمان باید همراه آن بوده باشیم. اینکه این بزرگواران می‌فرمایند اول باید شهید شوید و بعد به جبهه بروید، یا اول باید شهید بود تا شهید شد، مگر شهید بودن چیست؟ مگر غیر از ریخته شدن خون است؟ بله همین طور است؛ غیر از ریخته شدن خون است؛ اینکه فرموده‌اند «إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ»[۶]؛ یعنی، یکی از دو حُسن‌هاست؛ می‌شود شهید بود و به حُسنای پیروزی رسید.

این تعبیرها را هم داریم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: إذا جاءَ المَوتُ طالِبَ العِلمِ وهُوَ عَلی هذِهِ الحالِ ماتَ وهُوَ شَهیدٌ[۷]؛ گر مرگ جویای دانش ، در حالی در رسد که وی در جستجوی دانش باشد ، شهید مرده است.

پیامبر ـ صلی الله علیه و آله ـ در جایی دیگر می فرماید: «هر مؤمنی از امت من راستگو و شهید است»[۸]

این تعبیرها نشان‌دهندهٔ این است که شهادت، مفهومی دیگر و عمیق‌تر از چیزی است که ما در نظر داریم. از طرفی ما در خواسته‌های اهل‌بیت علیهم السلام می‌بینیم چقدر به شهادتی که به معنای شهادت در معرکه است توصیه شده است.

---

٤ ر.ک: الجمعه العروسی الحویزی، عبدعلی؛ نورالثقلین، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، چاپ سوم، بی تا، ج ٥، ص ٢٤٣.

٥ جامع الأخبار ,جلد , ١صفحه ١٦٥

٦. آیه ٥٢ سوره توبه

٧ تاریخ بغداد : ج ٩ ص ٢٤٧.

٨ بحارالانوار، همان، ج ٩٧، ص ٥٠.

امیرالمومنین علیه السلام به مالک می‌گویند: «...وَ أَنْ یَخْتِمَ لِی وَ لَکَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ[9]..»؛ از خدا طالب این هستیم که عاقبت من و تو را ختم به خیر سعادت و شهادت قرار دهد.

این اهتمام‌ها و این تأکیدها که شیعهٔ ما این‌چنین باشد نشان می‌دهد که گویی، یکی از ملاک‌های شیعه بودن و تحقق ادعای تشیع، شهید بودن است.

حال، این شهید چیست؟ آیا ما شهید هستیم یا فاصله داریم؟ قابل دسترسی است و می‌توان به آن رسید؟ می‌توان شهید زنده بود؟ گاهی می‌گویند: "شهیدِزنده است" و منظور این است که بارها در معرکه رفته و نزدیک بوده به شهادت برسد ولی به شهادت نرسیده است؛ گاهی منظور از شهیدِزنده این است که در هیچ معرکه‌ای هم نبوده و در کارگاهی بوده یا در مغازه‌ای بوده ولی شهید است؛ در خانه است و شهید است؛ خانم خانه می‌تواند شهید باشد. این معنای گسترده و وسیع شهید و شهادت است که یکی از محصولات و آثارش این است که اگر ضرورت اقتضا کرد، با انتخابش در معرکه جان و همهٔ هستی‌اش را در راستای اهداف بلندش می‌دهد، شهادت است که مطلوب است.

از آنچه که از روایات گفته شد معلوم می‌شود که مفهوم و معنای شهادت، غیر از معنا و مفهوم متعارف ماست که فقط ریخته شدن خون در میدان معرکه باشد.

برای لغت شهید، چند معنا نقل کرده‌اند: حاضر، دیدن، بیننده بودن، خبر قطعی؛ در دادگاه‌ها شاهد می‌آورند، یعنی شاهدِ رخداد و واقعه بوده است، بدین معنی که کسی یک خبر قطعی را دیده و به رؤیتش رسیده و آن را بیان می‌کند. کسی که جایی می‌خواهد شهادت بدهد باید حضور داشته باشد.

شهید را به معنای علمی گسترده و بی‌نهایت هم گفته‌اند که از اوصاف حضرت حق‌تعالی است؛ «... وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ »[10]یعنی، علم یقینی و بلا واسطه‌ای که همهٔ هستی پیش حضرت حق حاضر است و به آن علم دارد و این علم وسیع و بی‌منتها است. امام علی علیه السلام فرمودند: «اِتَّقُوا مَعَاصِیَ اللّهِ فِی الْخَلَوَاتِ، فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاکِمُ. [11]از عصیان خداوند در خلوتگاه‌ها بپرهیزید، چراکه شاهد، همان حاکم و دادرس است». خدا نیاز به شاهد ندارد، نیاز به قاضی ندارد، خدا در صحنه‌ها حاضر بوده لذا بر اساس شهود و شاهد بودن حکم می‌کند. این معنایی است که برای شهید و شاهد در لغت نقل کرده‌اند.

نکته‌ای وجود دارد که می‌گویند: "چرا به شهید، شهید گفته می شود؟" (با توجه به معنای لغوی)؛ سه، چهار وجه برای آن نقل کرده‌اند که همهٔ اینها بر اساس این معنا است: شهید کسی است که در معرکه جان خودش را از دست می‌دهد. برای مثال، گفته‌اند فرشتگان الهی شاهد فداکاری و جانبازی او هستند؛ به این معنا، شهید به معنای مشهود است؛ مشهود فرشتگان یا خدا؛ و فرشتگان بر ورود او به بهشت شهادت می‌دهند. اینجا هم اگر می‌گویند: "شهید" به معنای

---

۹ تحف العقول، النص، ص: ۱۴۹

۱۰ بخشی از آیه ۴۷ سوره سبأ

۱۱ حکمت ۳۱۶ نهج البلاغه

شهود است؛ یعنی خدا و فرشته‌ها شاهد بودند. یا گفته‌اند شهید، هنگام شهادت بر شاهده[12]می‌افتد؛ باز این‌ها اطلاق حقیقی بر شهید نیست. بعضی گفته‌اند نزد پروردگارش زنده و حاضر است یا در ملک و ملکوت، خداوند را مشاهده می‌کند. همهٔ این‌ها فرع و فرض بر این است که منظور از شهید، کسی است که در معرکه و در جهاد فی‌سبیل‌الله خون مبارکش ریخته می‌شود. اما همه این معانی مربوط به قبل از معنایی است که برای شهید و شهادت گفتیم؛ معنایی که مدنظر ماست و از روایات ائمه معصومین از شهید که مدنظر ماست و از ائمه معصومین علیهم السلام به دست می آید. که امام صادق علیه السلام فرمودند: «... و الله ما الشهداء إلا شیعتنا و لو ماتوا علی فرشهم»؛[13] منظور از این تعبیر، هیچ‌کدام از این توجیهات برای این معنا نیست؛ این توجیهات برای کسی است که در معرکه به شهادت می‌رسد. اما معنایی از شهید و شهادت که برای قبل از این مرحله است؛ شهادت در حیات و حضوراست؛ یعنی اول باید به این شهادت رسید و بعد به جبهه رفت، و این حضور و شهادت ارتباط مستقیمی با مشهود آن شهید دارد.

شهید چه چیزی را مشاهده می‌کند؟ این شهود و حضورش نسبت به چه موقعیتی است؟ در هیچ کدام از آیات، اطلاق شهید به معنای اصطلاحی نیامده است؛ تنها در یک آیه مفسرین گفته‌اند این شهید، شهید در معرکه است؛

﴿وَ مَنْ یُطِعِ اللّهَ وَ الرّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الّذینَ أنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النّبِیّینَ وَ الصِّدّیقینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصاالحینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفیقاً﴾[14]

در بقیهٔ آیات، تعبیر قتل فی‌سبیل‌الله است؛

﴿وَ لَا تَحْسَبَنّ الّذینَ قُتِلُواْ فی سَبیلِ اللّهِ أَمْوَتاً بَلْ أَحْیَآءٌ عِنْدَ رَبّهِمْ یُرْزَقُونَ﴾[15]

﴿وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ یُقْتَلُ فی سَبیلِ اللّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْیاءٌ وَ لکِنْ ال تَشْعُرُونَ﴾[16]

﴿فَلْیُقاتِلْ فی سَبیلِ اللّهِ الّذینَ یَشْرُونَ الْحَیاةَ الدُّنْیا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ یُقاتِلْ فی سَبیلِ اللّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً﴾[17]

تعبیر این آیات، قتل در معرکه فی‌سبیل‌الله است و تعبیر را شهید به کار نبرده است. نوع بیاناتی که آیات دارند ویژگی‌های این مقاتل فی‌سبیل‌الله را بیان کرده است؛ هنگامی که می‌گوید: ﴿فَلْیُقاتِلْ فی سَبیلِ اللّهِ الّذینَ یَشْرُونَ الْحَیاةَ الدُّنْیا بِالْآخِرَةِ ﴾. یعنی، کسی که مقاتله می‌کند باید دنیا و آخرت را فهمیده باشد؛ دنیا را شناخته باشد که دنیا متجر است و به یک معامله و تجارت رو آورده باشد؛ یعنی کسی که به مقاتله در راه خدا رو آورد، باید چنین معارفی را گذرانده

---

[12] یکی از اسم‌های زمین

۱۳ تهذیب الأحکام - الشیخ الطوسی - ج ٦ - الصفحة ١٢٦

١٤ نساء/٦٩

١٥ آل عمران/١٦٩

١٦ بقره/١٥٤

١٧ نساء/٧٤

١٨ آیه ٧٤ سوره نساء

باشد. وقتی می‌فرماید: «هر مؤمنی از امت من راستگو و شهید است»[19] یعنی کسی که به شهادت می‌رسد و شهید می‌شود باید سهمی از محبت خدا در دلش باشد تا به او، عنوان شهید اطلاق گردد.

پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه می فرماید: «مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِیداً»[20]؛ قلبش باید سهم و بهره‌ای از محبت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه و اهل‌بیت علیهم السلام داشته باشد؛ یعنی، شهید کسی است که باید در فکر، ذهن، اندیشه و احساس (قلب) سیری را گذرانده باشد. شهید در حقیقت یک حضور در هستی است؛ یعنی درک هستی. شهید کسی است که باید خودش و جایگاهش را پیش از این‌ها در عالم شناخته و وظیفه‌اش در این عالم را تشخیص داده باشد. شهید باید این مراحل را طی کرده و دست به شمشیر برده باشد؛ به اصطلاح، دست به شمشیر بردن یک سخت‌افزار است؛ باید نرم‌افزار این، در شخصی که دست به سلاح برده شکل گرفته باشد؛ لذا، باید به یک معرفت، شناخت و آگاهی روی بیاورد. صرفاً حضور در معرکه و ریخته شدن خون، شخص را شهید نمی‌کند. این که در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: «... و الله ما الشهداء إلا شیعتنا و لو ماتوا علی فراشهم»[21]؛ یعنی، شیعهٔ ما را، جا پای اهل‌بیت گذاشتن، شهید می‌کند.

تعبیری مرحوم استاد صفایی دارند؛ یک‌زمان، بچه در خانه از پدر و مادرش حساب می‌برد و سعی می‌کند رضایت آنها را تأمین کند و با ناراحتی آنها اذیت می‌شود، کم‌کم به مدرسه پا می گذارد، معلم، استاد، مقررات مدرسه تا کم‌کم پا داخل شهر و جامعه بازمی‌کند، قوانین جامعه، مجریان جامعه نسبت به این شخص، اداره و مدیریت دارند و حضورش در این حد است. ما همه شهید هستیم اما تفاوت در مشهودات‌مان است. حتی یک بچه نیز شهید است؛ میزان حوزهٔ حضور این بچه در خانه چقدر است؟ به همین صورت گسترده می‌شود؛ به مدرسه می‌آید؛ به جامعه می‌آید و همین‌طور گسترده می‌شود تا به سطح روستا، شهر، استان، کشور و... برخی برای دنیا نقشه می‌کشند و میزان حضورشان و آنچه برایشان حاضر است، دنیاست؛ سفرهایشان فقط در حوزهٔ روستا و شهرشان نیست، بلکه در حوزهٔ کرهٔ خاکی است. برخی جلوتر می‌آیند و می‌گویند تاریخ و آیندگان در مورد من چه قضاوت خواهند کرد؟ آیا اسم و نام مرا به نیکی خواهند برد؟

اما یک‌زمان، شخصی مانند حضرت امام رحمه الله علیه است؛ در نامه‌ای که به مرحوم منتظری نوشته بودند می‌فرمایند: من کاری ندارم آیندگان چه قضاوتی دربارهٔ من می‌کنند. همهٔ دنیا و تاریخ، فقط دنیاست و هرچه هم توسعه پیدا کند، در خاک است. شهید کسی است که علاوه بر ملک، ملکوت را دیده و ملکوت هم پیش او حاضر است. همهٔ ما شهید هستیم اما میزان شهادتمان فرق می‌کند.

شهید کسی است که وسعت هستی را دیده و دنیا و آخرت پیش او حاضر است و ارتباطش را با این وسعت می‌بیند و پروردگاری که در مسیر شناخته و رهبر و راهبرانی را شناخته و دل داده و در تبعیت از آنها به تسلیم‌بودن و شیعه‌بودن

---

۱۹ بحارالانوار، همان، ج ۹۷، ص ۵۰.

۲۰ جامع الأخبار ,جلد , ۱صفحه ۱٦۵

۲۱ تهذیب الأحکام – الشیخ الطوسی – ج ٦ – الصفحة ۱۲٦

رسیده است و طبعاً این دنیا را یک تجارتگاه می‌بیند.﴿فَلْيُقَاتِلْ فِی سَبِيلِ اللّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ﴾. یعنی دنیا را متجر می‌بیند و شروع به جهاد و کوشش و تلاش می‌کند.

جهاد شکل‌های گوناگونی دارد و یک کوشش هدفمند است. حتی خانم‌ها هم می‌توانند به این شهادت برسند؛ در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام است که می‌فرماید: «... وَ **جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ**[۲۳]» ...و جهاد زن، نیکوشوهرداری‌کردن است. نمی‌گوید جهد بلکه می‌گوید جهاد؛ جهاد یعنی کوشش هدفدار. طرف خیال می‌کند اگر پشت میز بنشیند و تدریس کند کلاس دارد و اگر بنشیند خانه و بچه‌داری و آشپزی کند بی‌کلاسی است؛ هیچ تفاوتی ندارد، آنچه که مهم است هدفدار بودن است. کسی که در خانه است، باید خانه را نبیند، تلاش او در خانه تعریف شده و هدفدار است، تربیت را می‌بیند، یک نوع جهاد را می‌بیند. تدارکات رزمندگان -که خون و تمام هستی خود را به معرکه آورده بودند- نتیجهٔ یک تلاش و کوشش گسترده در جریان پشت جبهه‌ها بود تا فشنگ و تیر سلاح را به دست اینها برسانند. اگر بینش بوده باشد و اگر بر اساس شناخت و آگاهی و حضور، انسان اقدام به تصمیم و انتخاب کند و حرکتی را آغاز کند این در خانه هم باشد خریدار دارد و اگر اینگونه نبوده ، هرچند استاد باشد، حقیر است و سرسوزنی ارزش ندارد و در آتش است؛ اینطور نگاه کردن به کار، یک نگاه خام، سطحی و بی‌ریشه است.

جهاد، گاهی به صورت تبیین و روشنگری است؛ گاهی به صورت فریادگری است؛ گاهی به صورت پنهانکاری است؛ و یک‌زمان به صورت قیام است. این مبانی و ریشه‌ها باید شکل بگیرد تا حضور در معرکه ارزشمند باشد. حال حضور در معرکه یک زمان، میدان جهادی است که تیر و اسلحه و شمشیر و نیزه دارد؛ یک زمان سر کلاس است، در کارخانه، کارگاه، آشپزخانه و یک زمان در تربیت بچه است. اما اگر این شکل نگیرد این‌ها اثری ندارد، رشدی ندارد؛ این سخت‌افزار است و نرم‌افزار آن مهم است. البته بر این شهادت در روایات با تعابیری از جمله اشرف الموت، اکرم الموت، اشرف القتل هم بسیار تأکید شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْمَوْتَ طَالِبٌ حَثِيثٌ، لَا يَفُوتُهُ الْمُقِيمُ وَ لَا يُعْجِزُهُ الْهَارِبُ. إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ، وَ الَّذِی نَفْسُ ابْنِ أَبِی طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَیَّ مِنْ مِيتَةٍ عَلَى الْفِرَاشِ فِی غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ.»؛ [۲۴]مرگ با شتاب طلب کننده است (همه را دریابد) ایستنده (دلیری که از ترس کشته شدن در چنین وقتی از برادر خود دفاع نمی نماید) از چنگش بیرون نرفته، و گریزان از آن آنرا عاجز و ناتوان نمی گرداند (و چون فرار و رهائی از آن میسّر نیست). اسماعیل هنیه در مراسم تشییع سردار سلیمانی یک روایت از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ خواند: « والذی نفسی بیده لولا أن رجالا من المؤمنین لا تطیب أنفسهم أن یتخلفوا عنی ولا أجد ما أحملهم علیه؛ ما تخلفت عن سریة تغزو فی سبیل الله، والذی نفسی بیده لوددت أنی أقتل فی سبیل الله ثم أحیا ثم أقتل، ثم أحیا ثم أقتل، ثم أحیا ثم أقتل »؛(قسم به کسی که جانم در دست اوست اگر مومنان خود را از عصیان نسبت به من پاک نمی‌کردند و من چیزی را نمی‌یافتم که آنها را برآن حمل کنم از سریه‌ای که در راه خدا می‌جنگید تخلف

---

۲۲ آیه ۷٤ سوره نساء

[۲۳] *نهج البلاغه*، صبحی صالح، ص٤٩٤، {حکمت ١٣٦}

۲٤ ترجمه و شرح خطبه ۱۲۳ نهج البلاغه(صبحی صالح)

نمی‌کردم و قسم به کسی که جانم در دست اوست، دوست داشتم در راه الله بجنگم سپس زنده شوم، سپس بجنگم و زنده شوم سپس بجنگم). یعنی، آرزوی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ شهادت بود. ما حضرت امام رحمت الله علیه را در این معنا شهید می‌دانیم ما خودِ حضرت آقا مدظله العالی را شهید می‌دانیم و بسیاری از افراد دیگر. شهادت هدف نیست، شهادت یک ابزار و مرکب است و حتی در مورد سیدالشهدا علیه السلام این بحث مطرح است که شهادت هدف نیست بلکه یک انتخاب است؛ آنجا که پیش آمد، بر اساس همان بصیرت و آگاهی باید انتخاب شود. وگرنه امیرکبیر هدفش دارالفنون بود و انتخابش در دین، شهادت بود. هدف تربیت و اصلاح است؛ شهادت یک وسیله است. «مِدادُ الْعُلَمآءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمآءِ الشُّهَداءِ.»[25] مداد علما از خون شهیدان برتر است؛ خون شهید وسیله است چنانچه مداد علما یک وسیله است. همه ما اگر ادعای تشیع داریم باید به این برسیم که شهادت هدف نیست. این دنیا مرحله‌ای از این راه بلندی است که ما در پیش داریم و باید آماده باشیم و باید همهٔ سرمایه‌هایی که خدای بزرگ به ما عنایت کرده در تجارت با او به سودی برسانیم که این راه بلند و این راه بی‌نهایت را بتوانیم با آن برویم. همهٔ ما مکلف به این هستیم که اگر جایی لازم شد همهٔ زندگی‌مان را بگذاریم، این کار را انجام دهیم؛ البته اینها همه فضایلی است که برای شهادت گفته شد.

دربارهٔ شهادت آثار بسیار دیگری نقل کرده‌اند، به این جهت که وقتی کسی شهید می‌شود همهٔ خودخواهی‌ها، حب به نفس و همهٔ امکاناتش را یک‌جا خرج می‌کند؛ یک‌زمان از وقتت می‌زنی؛ یک‌زمان از پولت می‌زنی؛ یک‌وقت سفره‌ای می‌اندازی و از مال می‌گذری؛ زمانی برای ملاقات دوستان وقت می‌گذاری؛ یک‌وقت وسیله و مرکبی که داری در اختیار کسی می‌گذاری؛ اما شهید کسی است که همهٔ هستی‌اش را می‌گذارد. طبعاً به میزان رنجی که می‌برد و هزینه‌ای که می‌کند درجاتش بیشتر می‌شود.

شهید مومن است؛ مومن به الله، رسول، اهل‌بیت، اولیاء است و متناسب با این‌ها انتخاب می‌کند؛ این شهادت در جایگاه خودش اگر لازم باشد دست به سلاح می‌برد و وارد معرکه می‌شود.

در احکام هم متفاوت است؛ برای مثال، واجب است شهید بدون کَفَن دفن شود، با همان لباسی که به خون آغشته شده دفن می‌شود. (در حالیکه اگر کسی را دفن کنند و به هر دلیلی کفنش خونی شود باید کفن را در بیاورند و عوض کنند).

در روایات است که برترین شهیدان کسانی هستند که در صف اول پیکار می‌کنند؛ رسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله می فرماید: «أفضَلُ الشُّهَداءِ الذین یُقاتِلُونَ فی الصفِّ الأوَّل ...»[26] برترین شهیدان، کسانی هستند که در صف مقدّم می جنگند....

آثاری که برای شهدا در حق شفاعت کردن ایشان گفته شده است. رسول خدا (ص) فرمود: «شفع الشهید فی سبعین من أهله»[27]شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می‌کند.

---

[25] من لایحضره الفقیه، ج ٤، ص ٣٩٨

[26] کنز العمّال : ١١١٢٠

[27] کنز العمال، ج ٤، ص ١-٤

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: «الشّهید لایجد الم القتل الّا کما یجد احدکم مسّ القرصه.» [28]شهید درد کشته شدن را احساس نمی کند، مگر در حدّی که یکی از شما پوست دست خود را بین دو انگشت فشار دهد.

زنده نگهداشتن یاد شهید و به مزار و گلزار شهدا رفتن از سنتها است. نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز احد بالای سر (مصعب بن عمیر) ایستادند و برای او دعا کردند و سپس فرمودند: «انّ رسول الله یشهد انّ هولاء شهداء عند الله یوم القیام فاتوهم زوروهم وسلمو علیهم فوالذی نفسی بیده ، لا یسلم علیهم احد الی یوم القیامه ، الاّ ردّوا علیه ، یرزقون من ثار الجن ووتح»[29] رسول خدا گواهی می دهد که شهدا شاهدان من نزد خدا در روز قیامت هستند. بیایید و ایشان را زیارت کنید ، بر اینان سلام کنید ، که سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ کس نباشد که بر آنها سلام کند الا اینکه جوابش را می دهند . وآنها از میوه های بهشتی وهدایای آن روزی داده می شوند.

دربارۀ خانواده شهدا و فرزند شهید صحبت شده است، قال علی علیه السلام عن قول رسول الله صلی الله علیه و آله: «و یقول الله عزّوجلّ انا خلیفته فی اهله و من ارضاهم فقد ارضانی و من اسخطهم فقد اسخطنی»[30] حضرت امیر علیه السلام در ادامه حدیثی مفصّل که در باب مقام شهید از قول رسول خدا بیان داشته اند می فرماید: خداوند می فرماید: من جانشین شهید در خانواده او هستم، هر کس رضایت آنها را جلب کند رضایت مرا جلب کرده و هر کس آنها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

آنچه که در این جلسه تأکید داشتیم این است که آن بزرگواران فرمودند: «اول شهید شوید بعد به جبهه بروید»؛ این بیشتر در مبانی شهید و شهادت شکل می‌گیرد. می‌گوییم شهید حاضر است، آگاه است و حضور دارد؛ در چه چیزی حضور دارد؟ و محضرش چیست؟ و خودش را در چه موقعیتی می‌بیند؟

مثل کودکی هستیم که بزرگ شده‌ایم و فقط عروسک‌هایمان عوض شده ولی مشهودمان همین آب و آش کشک دنیاست. عناوین، مسئولیت‌ها، پست‌هایی که فقط نگاه به آن، نگاه دنیایی است. مشهود ما چیست؟ خانه است؟ جامعه است؟ تاریخ است؟ آیندگان است؟ یا نه، مشهود ما اَبَدیَّت است؟ و تا ابد این دنیا، گامی برایش نیست. ارتباط غیب با ما چیست؟ مشهود ما چیست؟ حضرت استاد در بیان این آگاهی‌ها، حضور و شهود این معارف، در اوج بودند. جهاد را در مباحث قیام و شهود و آگاهی‌ها را در مباحث انتظار مطرح کرده‌اند. در کتاب مسئولیت و سازندگی، حرکت و انسان در دو فصل، این مسیر بلندی که در پیش دارد را مطرح کردند. هدف، مقاصد، منازل، مراحل، راهبر و همۀ اینها می‌خواهد حوزۀ مشهودات ما را به حدی برساند که در روایات به عنوان شهید از آن گفتگو می‌شود. خداوند ما را به این شهود و حضور برساند. آنچه ما را کامل می‌سازد مسیری است که از آگاهی‌ها و شناخت آغاز می‌شود و سپس

---

[28] کنز المعال، ج٤، ص٣٩٨، حدیث١١١٠٣

[29] منبع: کشف الاسرار،ج١ ، ص٤١٧

٣٠ کشف الاسرار–ج٢ص٣٤٨ و٣٤٩

احساس و تعلق و تبعیت و تسلیم و شیعه بودن است. این سیر شهادت إن‌شاءالله نصیب همهٔ ما بشود و با شهادتی که محبوب و مطلوب اولیای خدا بوده از دنیا برویم.

شب جمعه است و ایام متعلق به بی‌بی دوعالم است. یکی از ویژگی‌های حضرت فاطمه‌س شهیده است؛ صدیقهٔ شهیده. به این معنا که در معرکه حضور داشتند و وارد شدند و آن همه مصیبت‌ها را دیدند ولی شهیده‌ای است که خودش و رسالتش را، تبعیت از ولیّ خودش امیرالمؤمنین علیه السلام تشخیص دادند و وارد معرکه شدند و سرسوزنی کم نگذاشتند و همهٔ طبیعت‌هایی که ممکن بود زمین‌گیرشان کند و به سکوت و انزوا بکشاند، را کنار زدند.

آنچه که شهید را به عظمت می‌رساند این است که همهٔ هستی‌اش را می‌آورد و تمام نفسانیت و شیاطین و حرف‌های مردم را، همه را در راه حق قربانی می‌کند. ان‌شاءالله همهٔ ما بتوانیم به این قربانی بودن و مقرب بودن درگاه حق با گذشتن از هوس‌ها و بت‌ها و معبودها برسیم.

والسلام علیکم و رحمه الله